خبر

«ملاقات خصوصی» اکران می‌شود

شورای پروانه نمایش در جدیدترین جلسه خود، مجوز نمایش «ملاقات خصوصی» یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره فجر سال گذشته را صادر کرد.

بر همین اساس پروانه نمایش فیلم «ملاقات خصوصی» صادر شد تا نخستین فیلم امید شمس، احتمالا از چهارشنبه این هفته روی پرده برود.

ملاقات خصوصی پیشتر قرار بود از هفتم مهر نمایش داده شود اما ناآرامی‌های اجتماعی، اکران این فیلم را مانند چندین فیلم دیگر به تعویق انداخت.

ملاقات خصوصی که سیمرغ بهترین فیلم جشنواره فجر سال گذشته را گرفته، داستان زندگی دختری به نام پروانه است که با گرداندن مغازه‌ای در تلاش است تا خرج زندگی خانواده‌اش را تهیه کند. پروانه، با مردی به نام فرهاد آشنا می‌شود که به او ابراز علاقه می‌کند اما این تنها ابتدای راه است. پریناز ایزدیار، هوتن شکیبا، ریما رامین‌فر، رویا تیموریان، سیاوش چراغی‌پور، نادر فلاح و پیام احمدی‌نیا در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. ملاقات خصوصی طی ۱۰ روز نمایش مردمی در بهمن سال گذشته، موفق شد با حدود یک میلیارد تومان فروش، پرمخاطب‌ترین فیلم جشنواره در سینماهای مردمی باشد. این میزان استقبال سبب شده تا فیلم، یکی از امیدهای پررنگ گیشه امسال به حساب بیاید.

در گفت‌وگو با مهرداد کوروش‌نیا، کارگردان «بی‌آبان» بررسی شد

ظرفیت دراماتیک وجدان همیشه بیدار بشر

سانازقنبری
گروه فرهنگ و هنر

مهرداد کوروش‌نیا یکی از نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان باسابقه در حوزه تئاتر است که با ورود به عرصه سینما برای خیلی‌ها به‌عنوان یکی از امیدهای سینمای ایران تبدیل شده است. کوروش‌نیا این روزها با اولین ساخته سینمایی خود به‌نام «بی‌آبان» در گروه هنر و تجربه حضور دارد. بی‌آبان را می‌توان به نوعی متعلق به سینمای تجربی دانست، سینمایی که شاید در نگاه اول و تعاریف خود فرم را به محتوا ترجیح می‌دهد ولی با دیدن آثاری قدرتمند نشان داد فرم و محتوا نمی‌توانند از هم جدا باشند. زیرا اگر هرکدام در راستای دیگری پیش برود به نتایج مطلوبی خواهد رسید. در گفت‌وگوی جام‌جم با مهرداد کوروش‌نیا از ابعاد مختلف، نگاهی به فیلم بی‌آبان داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تماشای بی‌آبان همان‌قدر که مخاطب را با فیلمی آرام و شریف همراه می‌کند، تجربه حضور در یک نمایشگاه عکاسی در جغرافیایی متفاوت مثل جنگل و دریا را هم به او اضافه می‌کند. در حین نگارش فیلمنامه چقدر از این تصاویر را در ذهن‌تان ساخته بودید؟

اتفاقا همین جغرافیای متفاوت جنگل و دریا در بی‌آبان است که این فیلم را نسبت به فیلم‌هایی که در محیط شهری و آپارتمان‌ها اتفاق می‌افتد متمایز می‌کند. من در مرحله فیلمنامه مدام به این فکر می‌کردم تا جایی که می‌توانم به وسیله تصاویر با مخاطبانم حرف بزنم. وقتی در مدیوم سینما مشغول فعالیت هستیم باید به سینما اصالت بدهیم. یعنی سعی کنیم رویکردمان سینمایی‌تر باشد تا این‌که صرفا با دیالوگ و لوکیشن محدود، کارمان را انجام دهیم. باید ببینیم وقتی از سینما حرف می‌زنیم دقیقا از چه حرف می‌زنیم؟ آیا سینما الزاما روابط مسأله‌دار چند نفر در داخل یک خانه است؟ یا این‌که قرار است به‌عنوان یک مدیوم تصویری و صوتی ما را با تجربه بصری و صوتی یک اثر روبه‌رو کند؟ در این فیلم تلاشم این بود علاوه‌بر روایت داستان با قاب‌هایی عکس‌گونه، به‌جای شنیدن کلمات با تصویر و صدای آمبیانس، مفاهیم مد نظرم را منتقل کنم.

پس به همین دلیل بود که در بسیاری از سکانس‌ها از موسیقی کم استفاده کردید و بیشتر صدای محیط بود که شنیده می‌شد؟

با نشانه‌هایی که در تصاویر گذاشته‌ایم چه به لحاظ بصری، چه به لحاظ صوتی، مفاهیم را ساخته‌ایم. چنین فضایی قدرت تخیل و تفکر را در مخاطب بارور می‌کند. به عبارتی وقتی شما با دیالوگ صراحتا مفهوم‌تان را به مخاطب منتقل می‌کنید دیگر جایی برای فکر کردن یا انتخاب مفهوم برای مخاطب نمی‌گذارید. با همین روش در انتهای داستان مخاطب به قطعیت نمی‌تواند بگوید شخصیت آبان، زنده می‌ماند یا می‌میرد! در مرحله کارگردانی با دکوپاژ، لوکیشن و تمهیداتی که اندیشیدیم به فیلم زیر متن دادیم و اثر را چندلایه کردیم.

ایده اولیه بی‌آبان از کجا آمد؟

حدود ۱۰ سال پیش خبری خواندم که در شیراز، مردی به پاسگاه رفته و ماجرایی را تعریف کرده است. او گفته بود ۱۵ سال پیش در آنجا سرباز بوده و در روزهای عید نوروز پول نداشته به مرخصی برود. او گفته بود در آن روزها خیلی دلش برای پدر و مادرش تنگ شده بوده تا این‌که یک روز دختربچه‌ای را با گوشواره کوچکی در کوچه خلوتی دیده و تصمیم گرفته گوشواره را از گوش دختربچه دربیاورد. پس از این‌که دهان دختربچه را گرفته که سروصدا نکند و گوشواره را درآورده، متوجه شده دختربچه دیگر نفس نمی‌کشد و مرده. به همین دلیل او را می‌برد و در جایی متروکه چال می‌کند. سربازی‌اش تمام می‌شود، ازدواج می‌کند، صاحب دو دختر می‌شود و هر روز به عذابی که پدر و مادر آن دختر می‌کشند فکر می‌کند و به‌دلیل همین عذاب وجدان خودش را به پلیس معرفی می‌کند.

بعد از اتمام نوشتن فیلمنامه تا چه حد بداهه‌پردازی کردید؟

خیلی کم، اما به‌هرحال تلاش‌مان این بود که اگر چیز خوب و مفیدی پیدا کردیم از آن استفاده کنیم. البته کارگردان اگر قبل از فیلمبرداری متن را خوب با بازیگر صیقل دهد، دیگر زمان اجرا کلمات حساسیت‌برانگیز نمی‌شوند، بلکه اجراست که بالا و پایین می‌شود.

آبان، نام شخصیت اصلی مرد داستان است اما انتخاب نام بی‌آبان برای فیلم به چه دلیل و با چه پیامی شکل گرفت؟

این نام عامدانه انتخاب شد. چون در آبان دمای هوا شکسته می‌شود و از همان زمان است که از دوره گرما به دوره سرما می‌رویم. به همین دلیل بود که فیلمبرداری‌مان را دقیقا از ۲۹ مهرماه شروع و ۲۷ آبان تمام کردیم.

در پلان به پلان فیلم نشانه‌های گویای زیادی دیده می‌شود که در انتقال مفهوم به مخاطب کمک می‌کند. انتخاب جنگل، دریا، لاک‌پشت و ... هرکدام نشانه‌هایی هستند که به نظرم به‌هیچ‌وجه تصادفی نیست. دلیل به‌کارگیری این نشانه‌ها در فیلم‌تان چیست؟

این نشانه‌ها تصادفی نیست. دوست داشتم فیلمم کم‌دیالوگ باشد و از سینمای آپارتمانی فاصله بگیریم. متاسفانه ما اقلیم خود را در فیلم‌های‌مان نشان نمی‌دهیم و از باورها، سنت‌ها، افسانه‌های بومی و ملی‌مان استفاده نمی‌کنیم. بنابراین در درجه اول تلاشم در بی‌آبان استفاده درست و بجا از جغرافیای شمال کشور بود که امکانات نشانه‌شناسانه به ما می‌دهد. با امکانات نشانه‌شناسی آن اقلیم متوجه می‌شویم آبان، جنگلبان درون‌گرایی است که با طبیعت مأنوس است. او با خانواده‌ای وصلت کرده که هروقت مادرزنش را می‌بینیم، حال‌مان بد می‌شود. در پس‌زمینه تصویر مادرزن تصویر درخت‌های قطع‌شده را می‌بینیم و نتیجتا متوجه تقابل میان روحیه و منش یک جنگلبان به‌عنوان نگهبان طبیعت و مادرزنش می‌شویم که قصد دارد درختان را برای منافع شخصی خود قطع کند.

در فیلم‌تان زن‌ها برون‌گرا و مردها درون‌گرا هستند. تعمدی در این کار داشتید؟

نه، خیلی روی این موضوع فکر نکرده بودم.

دغدغه شما در بی‌آبان چه بود؟ آیا موقع نوشتن فیلمنامه، به‌طور خاص این دغدغه را داشتید که فیلم‌تان با فیلمنامه سریال‌های «کرگدن» و «ممنوعه» که برای شبکه‌نمایش نوشتید تفاوت‌هایی اساسی داشته باشد یا این نگرانی را نداشتید؟

سریال‌های کرگدن و ممنوعه را برای شبکه‌نمایش خانگی نوشتم که در مرحله ساخت، شکلی تجاری به خود گرفت و تغییراتی کرد که باعث نوعی لجبازی درونی در من شد. من سال‌ها نمایشنامه نوشتم و کار فرهنگی انجام دادم و بعد از این دو سریال بود که تصمیم گرفتم فیلمی بسازم که بتوانم دیدگاه و سلیقه واقعی‌ام را به کسانی که مخاطب سریال‌هایم هستند نشان دهم. بنابراین به این فکر کردم که چه موضوعی در ایران و دنیا خیلی مهم و البته در حال کمرنگ‌شدن است که مقوله‌ای به نام «وجدان» به ذهنم رسید. محور فیلمم را وجدان گذاشتم و این‌که یک انسان چقدر می‌تواند متعهد به مسائل اخلاقی و وجدان باشد. در این فیلم می‌بینیم آبان بعد از سال‌ها که از وقوع جرم می‌گذرد با منفعت و حقیقت درگیر می‌شود. به نوعی منفعت و حقیقت مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند.

با توجه به پیشینه تئاتری‌تان آیا در نوشتن داستان فیلم بی‌آبان نظری هم به «باغ‌آلبالو» اثر آنتوان چخوف داشتید؟ در آنجا هم نماد درخت خیلی پررنگ بود.

فکری که پشت بی‌آبان بود به نوعی تداعی‌کننده باغ‌آلبالو است. البته نمایشنامه‌ای دارم به‌نام «درخت‌ها» که کمی نزدیک به باغ‌آلبالو است اما حقیقت این است که بیشتر نمایشنامه‌های من حال‌وهوای ملی و وطنی دارد.

کارگردانی در مدیوم سینما و تئاتر چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

بخشی زیادی از سینما تصویر است. با وجود پیشینه تئاتری‌ام همه منتظر یک فیلم پردیالوگ از من بودند اما مدام به این فکر می‌کردم که چرا فیلم‌ها باید تا این اندازه دیالوگ داشته باشد. بنابراین، تلاش کردم در بی‌آبان سینمایی رفتار و لوکیشن و قاب‌هایی انتخاب کنم که تصویری و کم‌دیالوگ باشد.

با توجه به این که فیلم‌تان در گروه هنر و تجربه و در سینماهای محدود اکران شده و با توجه به شرایط این روزهای جامعه، چقدر از فروش فیلم‌تان راضی هستید؟

فروش فیلم‌ها واقعا اسفناک است. ما البته آگاهانه و با علم به این‌که در شرایط کنونی هیچ فروشی نخواهیم نداشت، فیلم‌مان را اکران کردیم اما سوالم اینجاست که چرا سینمای تجربی (به معنای واقعی کلمه) مورد حمایت دولت و بخش خصوصی نیست؟ چرا ذائقه مخاطب را به سمت‌وسویی می‌بریم که در سینمای ایران یا فیلم کمدی ساخته شود یا فیلم جشنواره‌پسند؟ انگار تمامی سینمای ما از لحاظ فرم و محتوا در پی همین هدف هستند!

ریسک یک تئاتری در سینما

مهرداد کوروش‌نیا را بیشتر به‌عنوان یک تئاتری می‌شناسیم که کارش را با کارگردانی نمایش «خواستگاری» نوشته آنتوان چخوف شروع کرد و بعد همین مسیر را در دنیای هنر ادامه داد و جایزه اول نمایشنامه «قرار» از تئاتر ملی فتح خرمشهر، جایزه اول نمایشنامه‌نویسی برای نمایش «آخرین‌نامه» از جشنواره تئاتر مقاومت و جایزه و لوح تقدیر برای نگارش نمایشنامه «آواز ستاره‌ها» از جشنواره بین‌المللی دانشجویان را از آن خود کرد اما او این روزها با فیلم بی‌آبان پایش به کارگردانی سینما هم باز شده. البته پیشتر به‌عنوان فیلمنامه‌نویس سریال‌های «ممنوعه» و «کرگدن» در شبکه نمایش‌خانگی در عرصه هنرهای تصویری فعالیت داشت اما آن‌طور که خودش می‌گوید هر دو فیلمنامه به قدری در مرحله ساخت تغییر کرد و تجاری شد که او را به این فکر انداخت که تصویری واقعی از سلیقه و دغدغه شخصی‌اش را پیش‌روی مخاطبان قرار دهد. بنابراین با تجربه تئاتری‌اش فیلم بی‌آبان را ساخت که این روزها در گروه هنر و تجربه در حال اکران است. اثری که در اوضاع کنونی سینمای ایران مهم و متفاوت است اما شاهکار نیست. بی‌آبان داستان مردی به‌نام آبان است که کارمند جنگلبانی و مامور پلاک‌کوبی روی درخت‌هاست. او با مردی به‌نام صفاری این کار را می‌کند. آبان درگیر مراسم ازدواجش با دختری به نام سحر است. در همین حین او شاهد تصادفی وسط جاده می‌شود که با این‌که دختر کوچکی که کنار جاده افتاده بود را به بیمارستان می‌رساند اما او می‌میرد. آبان درگیر عذاب‌وجدان شدید می‌شود و اعتراف می‌کند که ۱۵ سال پیش در تصادفی باعث مرگ دختری شده و او را جایی دفن کرده و هیچ شاهدی جز یک مرد شوریده و دیوانه ندارد.

سینمای جهان

«ملکه» فیلم ضداستبدادی سنگاپور

کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

لی‌لوآن بین، کارگردان «ملکه بچه» با نگاهی به داستان زندگی یکی از مدیران تجارت مواد مخدر در سنگاپور، به بررسی تاریخ این کشور و مبارزات مردم آن علیه سلطه بیگانه و تلاش برای نابودی نسل جوان با آلوده کردن آنها به مواد مخدر می‌پردازد. شخصیت محوری داستان این درام تاریخی پرتنش، زنی به نام اپراتانگ است که لقب ملکه مواد مخدر کشور را به خود اختصاص داد. داستان فیلم با دنبال کردن زندگی پرفرازونشیب این زن، بخش مهمی از تاریخ کشور سنگاپور را هم در معرض دید و قضاوت تماشاگران داخلی و بین‌المللی آن می‌گذارد. بر این اساس، ملکه بچه سفری عجیب و غریب و تقریبا سوررئالیستی در زندگی زنی را انجام می‌دهد که به‌عنوان یک بازیگر تئاتر فعالیت می‌کرد و در پوشش آن، کارهای غیرقانونی‌اش را سروسامان می‌داد.

ملکه بچه هم مثل ساخته تحسین شده قبلی لوآن بین «من رویای سنگاپور را دارم» به شیوه‌ای نیمه‌مستند تهیه شده، تا بتواند حال و هوای تاریخی و سیاسی داستان خود را بهتر به بیننده منتقل کند. اگر داستان ساخته قبلی این فیلمساز مستقل به بازخوانی شرایط سخت کارگران مهاجر بنگلادشی در سنگاپور می‌پرداخت و فضایی سرد و تلخ داشت، ملکه بچه شبیه اپراهای باشکوه پرزرق و برق آسیای دور، سرشار از رنگ و سرزندگی است. به‌گفته منتقدان سینمایی، این سرزندگی در نقطه مقابل داستان تلخ و اجتماعی فیلم قرار گرفته و کنتراستی خاص و قابل‌تحسین ایجاد می‌کند.

لوآن بین در رابطه با ساخته جدیدش به ورایتی می‌گوید: «به‌عنوان یک تهیه‌کننده و کارگردان که خودم فیلم‌هایم را فیلمبرداری و تدوین می‌کنم، ساخت هر کار تازه‌ام زمان زیادی می‌برد و پروسه تولید آنها طولانی است؛ به همین دلیل در هر فیلم تازه‌ای که می‌سازم، نهایت تلاشم را می‌کنم تا درباره آدم‌هایی صحبت کنم که به زندگی و نوع فعالیت‌های‌شان علاقه دارم. در عین حال، این انتخاب‌ها شامل افرادی می‌شود که عموم مردم هم دوست دارند درباره‌شان بشنوند و اطلاعات تازه‌ای پیرامون‌شان پیدا کنند.»

وقایع‌نگاری ملکه بچه به بخش‌هایی از زندگی شخصیت اصلی خود می‌پردازد که درباره تبدیل شدن او از یک بازیگر معمولی تئاتر به یک ملکه توزیع مواد مخدر در داخل کشور است. در دل این تغییر و تحول، فیلمساز به روابط او با برخی سیاستمداران فاسد و نیروهای استعماری هم می‌پردازد که مروج مخدرات مرگ‌آور در منطقه آسیای دور و نزدیک بوده‌اند. بخش مهمی از داستان فیلم هم اختصاص به رابطه تانگ با مادربزرگ ۹۰ ساله‌اش دارد و به این ترتیب به بررسی روابط عاطفی آدم‌ها در آسیای جنوب‌شرقی و تاثیرات فرهنگ امپریالیستی بر این روابط خانوادگی می‌پردازد. لحن مستندگونه فیلم در بسیاری از لحظات فیلم، آن را به شکل سندی مستند و معتبر از زندگی مردم سنگاپور معرفی می‌کند. منتقدان بومی از ملکه بچه به‌عنوان اثری از موج جدید سینمای سنگاپور یاد می‌کنند که تلاش دارد چهره‌ای درست از کشور خود به تماشاگران بین‌المللی ارائه دهد و در عین حال، تماشاگران داخلی را با محصولاتی بومی آشناتر کند که دغدغه‌های زندگی اجتماعی اهالی کشور را با خود دارند./ورایتی

قاب

آرشیو محتوایی «حاج‌قاسم» عمومی شد

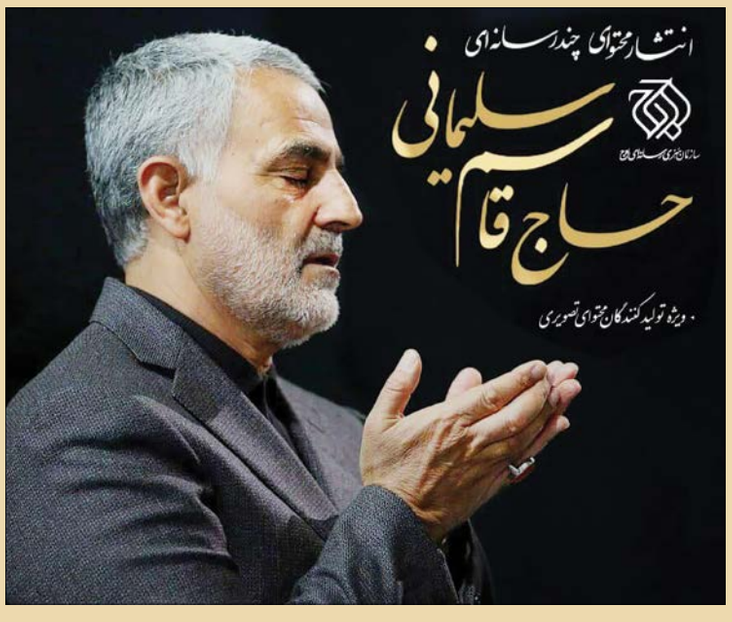

سازمان هنری رسانه‌ای اوج در آستانه سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، آرشیو محتوایی این سازمان را درباره شهدای مقاومت به صورت رایگان در اختیار تمام هنرمندان، نهادها و گروه‌های مردمی سراسر کشور قرار می‌دهد. تصاویر و راش‌های آیین تشییع پیکر شهدای مقاومت، نماآهنگ‌ها، پوسترها و عکس‌های مرتبط با سرداران شهید از جمله محصولات آرشیوی سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در اختیار هنرمندان، فیلمسازان، مستندسازان، گرافیست‌ها و نهادهای مردمی و سازمانی گذاشته خواهد شد. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و دسترسی به آرشیو آثار می‌توانند با شماره ۰۹۳۶۶۶۷۱۷۰۳ تماس بگیرند.

رویداد

همکاری سازمان بسیج هنرمندان با جشنواره فیلم «مقاومت»

مدیر کمیته استان‌های هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، از همکاری سازمان بسیج هنرمندان کشور با این جشنواره خبر داد.

محسن جوادی، مشاور عالی دبیر و مدیر کمیته استان‌های هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» گفت: سازمان بسیج هنرمندان کشور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را در اختیار جشنواره فیلم «مقاومت» خواهد گذاشت و با توافقی که با جواد جمیری، رئیس سازمان بسیج هنرمندان داشتیم، مقرر شد از پتانسیل این سازمان در معرفی جشنواره، جذب و اکران آثار بهره بگیریم. جوادی همچنین افزود: سازمان بسیج هنرمندان به عنوان یکی از بازوهای توانمند این جشنواره در امور استان‌ها نقشی کلیدی دارد و امیدواریم با توجه به برنامه‌ریزی‌های به‌عمل آمده، بتوانیم نسبت به جذب حداکثری فیلمسازان بسیجی در بخش نسل روایت که مختص نسل جوان فیلمساز در سراسر کشور، در فراخوان جشنواره طراحی شده، اقدام کنیم. قائم‌مقام انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس همچنین مطرح کرد: هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» امسال در شکل و شیوه اجرایی متفاوت عمل کرده است و روند اجرایی جشنواره به‌گونه‌ای طی خواهد شد که با یک رویداد فراملی در حوزه سینما مواجه خواهیم بود.

اکران

اکران مستند سینمایی «ردی از یک مرد»

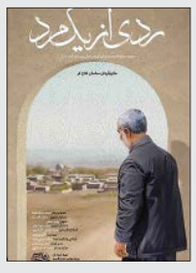

مستند «ردی از یک مرد» به کارگردانی ساسان فلاح‌فر همزمان با سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی در سینماهای منتخب سراسر کشور اکران می‌شود. ردی از یک مرد روایت خاطرات شهید حاج‌قاسم سلیمانی از زبان مردم روستای قنات ملک، زادگاه این فرمانده بزرگ انقلاب اسلامی است. مستند ردی از یک مرد، توسط پخش رویش بهمن سبز روز دوشنبه ۱۲ دی در سینماهای منتخب سراسر کشور به صورت رایگان اکران می‌شود. مخاطبان برای کسب اطلاع از سئانس‌های اکران این فیلم و تهیه بلیت، می‌توانند به سایت گیشه ۷ مراجعه کنند. این مستند ۷۷ دقیقه‌ای که توسط بنیاد مکتب حاج‌قاسم تهیه شده در بخش بلند ملی و مسابقه شهید آوینی شانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت نیز حضور داشته است. در خلاصه داستان این مستند آمده است: برای شناخت حاج‌قاسم سلیمانی کمی باید به عقب برگردیم. به سال‌های دور که او عشایرنشین بود؛ به روستای زادگاهش قنات‌ملک در کرمان؛ به میان مردمی که هرکدام قصه وردی از این بزرگمرد در زندگی‌شان دارند تا با آن زبان بی‌تکلف روستایی برای‌مان روایت کنند.